

Comparative Study of Civil Liability for Cyber Damages in the Iranian Legal System with International Standards

Zahra Shams-edini, Master's Student, Law Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: hamid.bazrpach@iau.ac.ir

Hamid Bazrpach, Corresponding Author, Associate Professor, Law Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: hamid.bazrpach@iau.ac.ir

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Civil Liability,
Cyber Damages,
Iranian Law,
International Standards,
Budapest Convention

ABSTRACT

With the rapid development of modern technologies and the expansion of cybercrimes, civil liability arising from such damages has become one of the most significant and complex challenges for legal systems. This article, using a descriptive-analytical approach and library-based research method, provides a comparative study of civil liability for cyber damages in Iran's legal system and international standards. The findings indicate that while Iranian law, under general civil liability rules, has the potential to cover cyber damages, it faces gaps and lack of clarity in areas such as defining the limits of internet service providers' liability, establishing fault criteria, and determining compensation methods. In contrast, international standards, particularly the Budapest Convention and European Union regulations, offer clearer frameworks, specifying the responsibilities and procedures for compensating cyber-related damages. The article concludes that there is a pressing need to review and amend domestic laws, enact specific regulations on cyber liability, and draw on international experiences to enhance the efficiency and responsiveness of Iran's legal system. Implementing these measures can provide necessary legal protection for victims and contribute to strengthening the security and resilience of the country's cyberspace.

Cite this Article: Shams-edini, Z. Bazrpach, H. (2025). Comparative Study of Civil Liability for Cyber Damages in the Iranian Legal System with International Standards. *International Relations Researches*, 14(4), 281-307. doi: 10.22034/irr.2025.542055.2753



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: : 10.22034/irr.2025.542055.2753



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات سایبری در نظام حقوقی ایران با استانداردهای بین‌المللی

زهرا شمس‌الدینی دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: hamid.bazrpach@iau.ac.ir

حمید بذریاچ نویسنده مسئول، دانشیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: hamid.bazrpach@iau.ac.ir

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، خسارات سایبری، حقوق ایران، استانداردهای بین‌المللی، کنوانسیون بوداپست تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	با توسعه روزافزون فناوری‌های نوین و گسترش جرایم سایبری، مسئولیت مدنی ناشی از خسارات این حوزه به یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین چالش‌های نظام‌های حقوقی تبدیل شده است. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، به بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات سایبری در نظام حقوقی ایران و استانداردهای بین‌المللی می‌پردازد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که حقوق ایران، هرچند در پرتو قواعد عمومی مسئولیت مدنی توانایی شمول بر خسارات سایبری را دارد، اما در مواردی همچون تعیین حدود مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، معیارهای تقصیر و روش‌های جبران خسارت، با خلا و عدم شفافیت قانونی مواجه است. در مقابل، استانداردهای بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون بوداپست و مقررات اتحادیه اروپا، چارچوب‌ها و مقررات روشن‌تری در این زمینه ارائه داده‌اند و نحوه تعیین مسئولیت و جبران خسارت را به طور دقیق مشخص کرده‌اند. نتیجه‌گیری مقاله بر ضرورت بازنگری و اصلاح قوانین داخلی، تدوین مقررات خاص در حوزه مسئولیت سایبری، و استفاده از تجربیات بین‌المللی برای ارتقای کارآمدی و پاسخگویی نظام حقوقی ایران تأکید دارد. اتخاذ این اقدامات می‌تواند هم زمینه حقوقی لازم برای حمایت از زیان‌دیدگان را فراهم کند و هم امنیت فضای سایبری کشور را ارتقا بخشد.

استناد به این مقاله: شمس‌الدینی، زهرا، بذریاچ، سحمید. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات سایبری در نظام حقوقی

ایران با استانداردهای بین‌المللی، ۱۴(۴)، ۲۸۱-۳۰۷. doi: 10.22034/irr.2025.542055.2753

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





توسعه فزاینده فناوری‌های دیجیتال و گسترش استفاده از فضای سایبری به طور قابل توجهی چالش‌های حقوقی جدیدی را در حوزه مسئولیت مدنی ایجاد کرده است. با افزایش حملات سایبری و نقض حریم خصوصی افراد و سازمان‌ها، ضرورت بررسی و تدوین قوانین و مقررات مناسب برای مدیریت مسئولیت ناشی از خسارات سایبری بیش از پیش احساس می‌شود. طبق گزارش مرکز افتای ریاست جمهوری ایران، حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی کشور در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال قبل ۳۷ درصد افزایش یافته است. این افزایش نه تنها نشان‌دهنده تهدیدات جدی علیه امنیت ملی است، بلکه ضرورت توجه به مسئولیت مدنی ناشی از این خسارات را نیز برجسته می‌کند. در سطح جهانی، براساس گزارش سالانه IBM، میانگین هزینه یک نقض داده به ۴.۴۵ میلیون دلار رسیده که اهمیت این موضوع را در ابعاد اقتصادی نیز نمایان می‌سازد.

مسئولیت مدنی سایبری به عنوان یک حوزه نوظهور با پیچیدگی‌های خاصی روبروست که آن را از مسئولیت مدنی سنتی متمایز می‌کند. خسارات سایبری می‌توانند در اشکال مختلفی ظهور پیدا کنند؛ از جمله نقض حریم خصوصی و سرقت داده‌ها که معمولاً ناشی از نفوذ غیرمجاز به سیستم‌ها و سرقت اطلاعات شخصی افراد است. همچنین، اختلال در کسب و کار و خسارات اقتصادی ناشی از حملات سایبری می‌تواند منجر به از دست رفتن درآمد و آسیب به عملیات تجاری شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹). آسیب به زیرساخت‌های حیاتی نیز یکی دیگر از تبعات جدی این نوع خسارات است که می‌تواند تأثیرات عمیق‌تری بر امنیت ملی داشته باشد. علاوه بر این، صدمات جسمی و روانی ناشی از حملات سایبری نیز نیازمند توجه حقوقی هستند، زیرا این آسیب‌ها می‌توانند بر کیفیت زندگی قربانیان تأثیر بگذارند.

چالش‌های اساسی در تعیین مسئولیت مدنی سایبری شامل دشواری احراز رابطه سببیت است. در فضای سایبر، اثبات رابطه مستقیم بین عمل زیان‌بار و خسارت وارده با پیچیدگی‌هایی همراه است. برای مثال، در حملات DDoS که از چندین منبع صورت می‌گیرد، تشخیص عامل اصلی خسارت دشوار است. همچنین، ناشناس بودن عاملان حملات سایبری و استفاده از فناوری‌های رمزنگاری شناسایی آن‌ها را به چالشی جدی تبدیل کرده است. مسائل صلاحیت قضایی نیز یکی دیگر از چالش‌هاست؛ ماهیت فراملی حملات سایبری تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم را با مشکل مواجه می‌کند. علاوه بر این، نارسایی قواعد سنتی مسئولیت مدنی در مواجهه با خسارات نوین سایبری نیازمند بازنگری جدی است. قواعد



کلاسیک ممکن است در برابر خسارات ناشی از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی کارایی لازم را نداشته باشند و تعیین مسئول جبران خسارت در این زمینه با ابهامات جدی روبروست (عبداللهی، ۱۴۰۰). در این راستا، متغیرهای پژوهش شامل انواع خسارات سایبری و نظام‌های حقوقی مسئولیت مدنی به عنوان متغیرهای مستقل، رویه قضایی داخلی و بین‌المللی به عنوان متغیر میانجی و شیوه‌های جبران خسارت به عنوان متغیر وابسته شناسایی شده‌اند. سؤال اصلی پژوهش این است که نظام حقوقی ایران در مواجهه با خسارات سایبری چه رویکردی را اتخاذ کرده و تا چه میزان قواعد موجود مسئولیت مدنی پاسخگوی این نوع خسارات است؟ تحقیق در این زمینه می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام حقوقی موجود کمک کند و راهکارهای مؤثری برای مقابله با چالش‌های ناشی از خسارات سایبری ارائه دهد.

۱. ارکان و اشخاص دارای مسئولیت مدنی

در این بخش، به بررسی ارکان و اشخاص مرتبط با مسئولیت مدنی پرداخته می‌شود. مبحث اول به تحلیل ارکان تحقق مسئولیت مدنی می‌پردازد که شامل ورود ضرر، ارتکاب فعل زیان‌بار و رابطه سببیت است. این عناصر به‌طور دقیق بررسی می‌شوند تا شرایط ایجاد مسئولیت مدنی روشن گردد. مبحث دوم به شناسایی اشخاص دارای مسئولیت مدنی و منشأ آن می‌پردازد. در این مبحث، مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، مدیران وبسایت‌ها، تولیدکنندگان محتوا و کاربران مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین، مسئولیت در شبکه‌های اجتماعی نیز بررسی می‌شود تا ابعاد مختلف مسئولیت مدنی در فضای مجازی به‌روشنی تبیین گردد. بدین ترتیب، این بخش به درک بهتر مسئولیت مدنی در دنیای دیجیتال کمک می‌کند.

۱-۱. ارکان تحقق مسئولیت مدنی

برای اثبات و احراز مسئولیت مدنی در نظام حقوقی و فقهی، وجود ارکان خاصی ضروری است که به‌طور مستقیم به تحقق این مسئولیت مرتبط می‌شوند. این ارکان شامل ورود ضرر، ارتکاب فعل زیان‌بار یا نامشروع و رابطه سببیت هستند. در ابتدا، ورود ضرر به معنای آسیب یا خسارتی است که به زیان‌دیده وارد می‌شود و باید به‌طور مشخص قابل شناسایی باشد. این ضرر می‌تواند مالی، جسمی یا روحی باشد و بدون وجود آن، مسئولیت مدنی محقق نمی‌شود. علاوه بر این، ارتکاب فعل زیان‌بار یا نامشروع به عملی اشاره دارد که منجر به ورود ضرر به فرد دیگر می‌شود. این عمل می‌تواند عمدی یا غیرعمدی

باشد، اما باید مستند به فرد زیان زننده باشد. در واقع، این رکن نشان‌دهنده نقض قوانین یا اصول اخلاقی است که منجر به زیان به دیگران می‌شود. نهایتاً، رابطه سببیت به ارتباط مستقیم بین فعل زیان‌بار و ضرر وارده اشاره دارد. برای احراز مسئولیت، باید اثبات شود که ضرر به‌طور مستقیم ناشی از عمل زیان زننده بوده و بدون آن عمل، ضرر به وجود نمی‌آمد. در مجموع، بررسی این ارکان به‌عنوان پایه‌های اصلی مسئولیت مدنی، نقش کلیدی در فرایند حقوقی ایفا می‌کند و فهم دقیق آن‌ها برای تعیین مسئولیت و جبران خسارت ضروری است.

۲-۱. ورود ضرر

هدف اصلی مسئولیت مدنی، جبران خسارتی است که به فردی وارد شده است. در صورتی که زیان موضوع مسئولیت مدنی وجود نداشته باشد، به تبع آن مسئولیت نیز منتفی خواهد بود. به‌طورکلی، بار اثبات ورود زیان بر عهده مدعی است. به عبارتی دیگر، تنها در صورتی که خسارتی به وجود آید، مسئولیت برای جبران آن شکل می‌گیرد؛ بنابراین، وجود ضرر را می‌توان به عنوان رکن اساسی مسئولیت مدنی در نظر گرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

ماده اول قانون مسئولیت مدنی به‌وضوح وجود ضرر را بیان می‌کند: "هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود." این ماده نشان می‌دهد که هرگونه آسیب به حقوق افراد، اعم از مادی یا معنوی، می‌تواند منجر به مسئولیت جبران خسارت شود. هدف از این قانون، تأکید بر ضرورت جبران خسارت به زیان‌دیده است و نه مجازات مرتکب (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

ماده دوم نیز به‌طور دقیق‌تر به نحوه رسیدگی به دعاوی مربوط به خسارت می‌پردازد: "در موردی که عمل واردکننده زیان، موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان، موجب یکی از خسارات مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود." این ماده تأکید می‌کند که دادگاه موظف است پس از بررسی و اثبات موضوع، خسارت را جبران کند. همچنین، اشاره دارد که نوع خسارت وارده باید مشخص و قابل اثبات باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۳).





ضرری که منجر به مسئولیت می‌شود باید سه ویژگی زیر را داشته باشد:

۱. ضرر واقعی: ضرر واقعی به معنای آن است که خسارت وارده باید منجر به کاهش یا نقص در دارایی زیان‌دیده شود یا اینکه منافع مشخصی را از بین ببرد. این نوع ضرر به طور مستقیم بر وضعیت مالی یا اقتصادی فرد تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، فرض کنید شخصی در اثر تصادف با یک خودروی دیگر، ماشین او به شدت آسیب می‌بیند. در اینجا، هزینه تعمیر خودرو که به عنوان یک دارایی محسوب می‌شود، نشان‌دهنده ضرر واقعی است. همچنین، اگر این فرد به دلیل آسیب دیدن خودرو نتواند به محل کار خود برود و درآمدی را از دست بدهد، این نیز یک ضرر واقعی است که به دلیل از بین رفتن منافع مشخص ایجاد شده است.

۲. ضرر جبران نشده: ضرر جبران نشده به این معناست که خسارت باید تا حد امکان کامل جبران شود و هیچ زیانی نمی‌تواند بیش از یک‌بار مطالبه شود. این ویژگی به این مفهوم اشاره دارد که اگر خسارتی قبلاً جبران شده باشد، فرد نمی‌تواند دوباره برای همان خسارت درخواست جبران کند. به عنوان مثال، فرض کنید فردی به دلیل سهل‌انگاری دیگری دچار آسیب جسمی می‌شود و این فرد هزینه‌های پزشکی خود را از طرف مقابل دریافت می‌کند. اگر بعداً به دلیل همان حادثه، دوباره دچار عوارضی شود، نمی‌تواند برای هزینه‌های جدید، از شخص مقصر درخواست جبران کند، مگر اینکه این هزینه‌ها ناشی از عوارض جدید و غیرقابل پیش‌بینی باشد.

۳. ضرر مستقیم: ضرر مستقیم به نوعی از خسارت اشاره دارد که به طور مستقیم ناشی از عمل زیان‌آور است و می‌تواند به صورت از بین رفتن مال یا دارایی یا از دست دادن فرصتی مشخص باشد. در این نوع ضرر، معیار ارزیابی عرف متعارف جامعه است و نمی‌توان قاعده‌ای عمومی و از پیش تعیین شده برای آن وضع کرد. به عنوان مثال، اگر شخصی به عمد خودروی دیگری را تخریب کند، این عمل منجر به ضرر مستقیم برای صاحب خودرو خواهد شد. همچنین، اگر به دلیل تخریب خودرو، صاحب آن نتواند به یک قرار مهم تجاری برسد و فرصت کسب درآمد را از دست بدهد، این نیز یک ضرر مستقیم محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۴).

به طور کلی، برای اینکه یک ضرر منجر به مسئولیت مدنی شود، باید واقعی، جبران نشده و مستقیم باشد. این ویژگی‌ها به تعیین میزان مسئولیت فردی که اقدام زیان‌آور انجام داده، کمک می‌کند و در نهایت، پایه‌گذار جبران خسارت به زیان‌دیده خواهد بود. در حقوق مدنی، احراز این ویژگی‌ها به عنوان پیش‌نیاز برای اثبات مسئولیت مدنی ضروری است و نقش کلیدی در فرآیند حقوقی ایفا می‌کند.

ماده اول قانون مسئولیت مدنی به وضوح بیان می‌کند که "هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا به دلیل بی‌احتیاطی به جان، سلامت، مال، آزادی، حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود." ماده دوم نیز تصریح می‌کند که در صورتی که عمل زیان‌آور، خسارت مادی یا معنوی به زیان‌دیده وارد کند، دادگاه پس از بررسی و اثبات موضوع، فرد مسئول را به جبران خسارت محکوم می‌کند؛ بنابراین، مسئولیت مدنی به معنای مجازات مرتکب نیست، بلکه هدف آن جبران خسارت ناشی از فعل اوست (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۳).

۳-۲. ارتکاب فعل زیان‌بار یا نامشروع

در حقوق مدنی، علاوه بر وجود ضرر، رکن دیگری که برای ایجاد مسئولیت مدنی ضروری است، ارتکاب فعل زیان‌بار می‌باشد. این فعل باید در نظر اجتماع ناهنجار باشد و همچنین در قانون برای آن مجوزی وجود نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، هر عملی که موجب آسیب به حقوق دیگران شود، می‌تواند منجر به مسئولیت مدنی گردد. عمل یا رفتاری که به طور غیرمجاز (برخلاف قانون، اخلاق یا نظم عمومی) به دیگری آسیب برساند، فعل زیان‌بار نامیده می‌شود. این عمل باید در نظر جامعه ناهنجار باشد و همچنین در قانون برای آن مجوزی وجود نداشته باشد. فعل زیان‌بار می‌تواند شامل عمل یا ترک عمل باشد (دالوند، ۱۳۸۶: ۲۲).

فعل زیان‌بار به دو شکل وجود دارد:

فعل: انجام یک عمل خاص که منجر به آسیب می‌شود. به عنوان مثال، اگر شخصی به عمد خودرو دیگری را تخریب کند، این عمل به عنوان یک فعل زیان‌بار شناخته می‌شود.

ترک فعل: عدم انجام عملی که مسئولیت ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، اگر یک مالک ساختمان مسئولیت تعمیر نرده‌های شکسته را داشته باشد و این کار را انجام ندهد و در نتیجه یکی از مهمانان دچار آسیب شود، این ترک فعل می‌تواند منجر به مسئولیت او گردد.

ماده اول قانون مسئولیت مدنی به وضوح بیان می‌کند: "هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود." این ماده تأکید می‌کند که اگر شخصی عملی را بدون مجوز قانونی انجام دهد و این عمل منجر به ضرر شود، او مسئول جبران خسارت خواهد بود.



"بدون مجوز قانونی" به معنای عدم رعایت تمامی قوانین، آیین‌نامه‌ها و حتی قواعد عرفی است (دالوند، ۱۳۸۶: ۲۲). برای درک بهتر مفهوم فعل زیان‌بار، به چند مثال توجه کنید:

فعل زیان‌بار: فرض کنید شخصی به عمد خودرو دیگری را تخریب کند. این عمل نه تنها موجب آسیب به مال شخص دیگر می‌شود، بلکه به‌طور مستقیم بر حیثیت و اعتبار او نیز تأثیر منفی می‌گذارد. در اینجا، شخص مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود.

ترک فعل: فرض کنید یک مالک ساختمان موظف به تعمیر نرده‌های شکسته در بالکن است. اگر او این کار را انجام ندهد و یکی از مهمانان به دلیل سقوط از بالکن دچار آسیب شود، مالک ممکن است مسئول جبران خسارت باشد، زیرا ترک فعل او منجر به آسیب به دیگری شده است.

علاوه بر وجود مجوز قانونی، "دفاع مشروع" نیز عاملی است که می‌تواند مسئولیت را زایل کند. به‌عنوان مثال، در ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی آمده است:

"کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود، مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارد برحسب متعارف متناسب با دفاع باشد."

این بدین معناست که اگر شخصی در حال دفاع از خود یا دیگری باشد و این دفاع منجر به آسیب به شخص متجاوز شود، او مسئول جبران خسارت نخواهد بود، به شرطی که خسارت وارد شده متناسب با عمل دفاعی باشد. در بررسی قانونی بودن فعل زیان‌بار، به ذات عمل توجه می‌شود. به عبارتی، عمل باید ذاتاً و نوعاً نامشروع باشد. برای مثال، اگر شخصی به عمد مالی را تلف کند، حتی اگر این عمل ناشی از تقصیر او نباشد، به دلیل اینکه عمل او (تلف کردن) غیرقانونی است، مسئول جبران خسارت خواهد بود. در نهایت، رکن دیگر مسئولیت مدنی، ارتکاب فعل زیان‌بار است که باید ناهنجار و بدون مجوز قانونی باشد. این مفهوم به‌عنوان یک اصل بنیادین در حقوق مدنی شناخته می‌شود و هدف آن جبران خسارت به زیان‌دیده است. درک این اصول به افراد کمک می‌کند تا نسبت به حقوق یکدیگر آگاه‌تر باشند و در صورت وقوع خسارت، به‌طور مؤثر و عادلانه عمل کنند.

۲. رابطه سببیت

رابطه سببیت به معنای وجود ارتباطی بین خسارت وارده و عمل خارجی است، به گونه‌ای که خسارت به آن حادثه قابل انتساب باشد. این موضوع بدیهی است، زیرا منطقی نیست که فردی مسئول خسارتی باشد که در آن هیچ دخالتی نداشته است (قربان پور، ۱۳۸۵: ۹).

به عبارت دیگر، باید بین زیان وارده و عمل مرتکب، رابطه‌ای وجود داشته باشد تا بتوان گفت مقصر نسبت به حادثه و زیان وارده مسئولیت دارد. استثنای این بحث، غصب است که در این مورد طبق قانون مدنی ایران، مسئولیت عینی بر آن حاکم است و نیازی به اثبات رابطه سببیت نیست (ماده ۶۳۱ قانون مدنی).

در واقع، برای تحقق مسئولیت، باید ثابت شود که بین ضرر و فعل زیان‌بار رابطه سببیت وجود دارد، به این معنا که ضرر ناشی از آن فعل باشد. این احراز رابطه علت بین دو پدیده یعنی فعل زیان‌بار و خسارت (ضرر) است. در مواردی که تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست، رابطه سببیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و اثبات آن دشوارتر می‌شود. برای اینکه حادثه‌ای سبب محسوب شود، باید در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد، یعنی باید ثابت شود که بدون آن، ضرر واقع نمی‌شد. اصولاً لزوم برقراری رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر از آن جهت حائز اهمیت است که گاه عوامل متعددی در ورود ضرر دخالت دارند. با این حال، احراز رابطه سببیت در عمل ممکن است با مشکلات پیچیده‌ای مواجه شود و با وجود تلاش‌های حقوق‌دانان، مسئله رابطه سببیت همچنان پیچیده باقی مانده است. به عنوان قاعده کلی، خواهان است که بار اثبات را بر عهده دارد، زیرا اصل بر عدم وجود رابطه سببیت است و خواهان باید خلاف آن را ثابت کند.

امروزه در برخی قوانین، مانند قوانین مربوط به تولیدات کارخانجات، صرف ورود زیان برای مطالبه خسارت کافی است و این تولیدکننده است که باید سالم بودن کالا را اثبات کند، به این معنی که بار اثبات رابطه سببیت از دوش زیان‌دیده برداشته شده و بر عهده زیان‌دیده گذاشته شده است. استثنای دیگر این قاعده در مورد غصب است که در آن نیازی به اثبات رابطه سببیت بین ضرر و فعل خوانده نیست؛ بنابراین، در عمل، گاه با مسئولیت‌هایی مواجه می‌شویم که نیازی به اثبات رابطه سببیت نیست. به عنوان مثال، هرگاه به دلیل عیب کالا، خطری متوجه اشخاص ثالثی شود که هیچ‌گونه رابطه قراردادی با تولیدکننده ندارند، تولیدکننده کالا مسئولیت دارد، در حالی که طبق اصول کلی، تولیدکننده‌ای که هیچ رابطه‌ای با مصرف‌کننده ثالث ندارد، مسئول نیست، زیرا بر اساس قرارداد، تنها مسئول پرداخت خسارات وارده به طرف قرارداد است و نه اشخاص ثالث.

در تبصره ۱۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی، مسئولیت مدنی در قبال اشخاص ثالث پیش‌بینی شده است. البته به عنوان قاعده کلی، خواهان باید رابطه سببیت ضرر و عدم اجرای تعهد را ثابت کند، زیرا درست است که تعهد به طور صحیح انجام نشده، لیکن این امر لزوماً به این معنی نیست





که ضرر و خسارت به سبب عدم انجام تعهد به وجود آمده است، زیرا چه بسا به علت عوامل دیگر بوده است؛ بنابراین، اثبات رابطه سببیت بین ضرر و نقض عهد لازم است (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۶۵). در خصوص انتساب رابطه بین فعل و نتایج حاصله و مسئولیت ناشی از آن چندین نظریه ارائه شده است. یکی از این نظریات، مسئولیت سبب مقدم در تأثیر است. نظریه‌ای که معتبر است بر این باور است که سبب مقدم در تأثیر ضامن است. نظریه دیگر بر این باور است که همه سبب‌ها ضامن هستند. همچنین نظریه‌ای وجود دارد که معتقد است سبب مؤخر در وجود ضامن است. به موجب این نظریه، چنانچه اسباب متعدد هم‌زمان نباشند، سبب متأخر در وجود ضامن است. مثلاً اگر کسی سنگی را در معبر عمومی قرار دهد و پس از آن، شخص دیگری چاهی را در کنار آن حفر کند و شخص ثالثی پایش به سنگ گیر کند و به درون چاه سقوط کند، حفر کننده چاه ضامن است. استدلال این نظریه این است که سنگ بدون وجود چاه هیچ نقشی در سقوط ندارد و وجود چاه، سنگ را خطرناک کرده است. این استدلال به طور کلی مخالف استدلال نظریه مربوط به سبب مقدم در تأثیر است.

نظریه دیگری نیز وجود دارد که معتقد است سبب اقوا ضامن است. به موجب این نظریه، ملاک در ضمان، اقوا بودن در تسبیب است، درست همان‌طور که در اجتماع سبب و مباشر، چنانچه سبب، اقوا از مباشر باشد، ضمان به عهده او خواهد بود. در اجتماع سبب هم همین امر باید ملاک سنجش قرار بگیرد. اقوا بودن در تسبیب بدون شک یک اصل است. لذا اگر این موضوع به نوعی باشد که سایر موارد را از بین ببرد و برای دادگاه رسیدگی‌کننده اثبات شود، این دادگاه باید مسئولیت و ضمان قوی‌تر را در رأی خود لحاظ کند. این موضوع دقیقاً مانند همان مشارکت مباشر و سبب و سبب اقوی از مباشر است که هم در حقوق مدنی و هم در حقوق کیفری مورد بحث قرار گرفته است؛ اما با این تفاوت که در اینجا اگر قوی بودن آن اثبات نشود، تکلیف مشخص نیست. لذا شاید باید در مواردی که با سبب‌های متعدد روبرو هستیم، حکم و رأی به جمع ضمان‌ها داده شود، با این شرح که فرض را بر این می‌گیریم که تمامی اسباب در خسارت دخیل هستند و دلیلی نداریم که کدام مقدم یا کدام مؤخر بوده است. در این خصوص حتی می‌توان از قواعد فقهی مثل عدل و یا انصاف نیز استفاده کرد، البته در این زمینه فقها اشاره‌ای به این موضوع نداشته‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

اختلافات مربوط به مسئله سبب و مباشر از دیرباز در حقوق مدنی و حقوق جزا وجود داشته است. مشکلات مربوط به حقوق جزا با وضع قانون جدید مرتفع شده و نظریه صریح بیان شده است. در این زمینه سابق بر این در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه



مقرر شده بود که در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد؛ اما با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این ماده قانونی نسخ گردید. در حقوق مدنی نیز چنین مسئله‌ای مطرح است و در ماده ۳۳۲ قانون مدنی در مورد اتلاف مال نیز مباشر را مسئول می‌داند مگر سبب اقوی از مباشر باشد که این مورد در حقوق مدنی همچنان پابرجاست (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

قانون جدید مجازات اسلامی با ایجاد تغییراتی در مورد این مسئله در ماده ۵۲۶ چنین مقرر نموده است که "هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند." در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب، ضامن است.

به عنوان مثال، اگر کسی چاهی بکند (مباشر) و دیگری جلوی آن چاه سنگی بگذارد (سبب) و شخصی با برخورد با سنگ به درون چاه بیفتد و فوت کند، طبق ماده فوق هر دو مسئول خواهند بود زیرا عمل مستند به هر دو آن‌ها است. مگر اینکه یکی از آن‌ها اصلاً قصد و نیت جنایت نداشته و مثلاً چاه را برای آب‌کنده باشد که در این صورت صرفاً شخص عامل در جنایت مسئول خواهد بود.

۴. اشخاص دارای مسئولیت مدنی و منشأ آن

به دلیل نقض حقوق افراد در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، ممکن است مسئولیت مدنی بر عهده برخی اشخاص قرار گیرد. در ادامه، به بررسی برخی از مهم‌ترین افرادی که به واسطه فعالیت در عرصه فضای مجازی با مسئولیت مدنی مواجه می‌شوند، خواهیم پرداخت.

۴-۱. مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی (ISP)

عملکرد اصلی این دسته از واسطه‌های اینترنتی که مهم‌ترین آن‌ها نیز محسوب می‌شود، فراهم کردن دسترسی به اینترنت برای کاربران و مصرف‌کنندگان نهایی است. در واقع، این ارائه‌دهندگان به عنوان پلی عمل می‌کنند که ورود کاربران به دنیای سایبر را ممکن

می‌سازد بدون اینکه نقشی در همراهی آن‌ها در این فضا داشته باشند. لذا باید اصل را بر عدم مسئولیت مدنی این گروه از واسطه‌ها قرار داد. با توجه به این نوع عملکرد، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را در



قبال خساراتی که کاربران به دیگران وارد می‌کنند، مسئول نمی‌دانیم؛ زیرا مهم‌ترین عنصر مسئولیت، داشتن نقشی در بروز خسارت یا به عبارت دیگر، احراز رابطه سببیت است. ایجاد امکان دسترسی به فضای سایبر نباید سببیت تلقی شود؛ بلکه ماهیت عمل این ارائه‌دهندگان تنها فراهم آوردن زمینه و مقتضی برای ورود به فضای سایبر است. در حقیقت، آن‌ها تنها بستر ورود به فضای سایبر را برای دیگران فراهم می‌آورند و به‌طور کلی، صرف ایجاد مقتضی نمی‌تواند توجیه‌کننده تحقق مسئولیت آن‌ها در قبال خساراتی باشد که دیگران متحمل می‌شوند (ملکوتی، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

از سوی دیگر، مسئولیت ناشی از عمل دیگری است و مسئول دانستن ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در قبال اقدامات زیان‌آور کاربران، نیازمند ایجاد نوعی تعهد مراقبت یا کنترل برای آن‌ها در قبال اعمال کاربران است، در حالی که چنین تعهدی وجود ندارد. بر اساس بند ۴-۳-۵ آیین‌نامه واحدهای ارائه‌دهنده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت، مصوب ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسئولیت این ارائه‌دهندگان در مورد دسترسی به اطلاعات عرضه‌شده توسط دیگران، محدود به ایجاد امکان و اعمال برقراری فیلترینگ در شبکه خواهد بود؛ به عبارت دیگر، وظیفه این ارائه‌دهندگان تنها در محدود کردن دسترسی به محتوای ممنوعه است و آن‌ها مسئول اقدامات کاربران در دسترسی به اطلاعات یا عرضه آن در شبکه نخواهند بود و تنها در صورت عدم انجام وظایف خود، یعنی ارتکاب تقصیر، مسئول خواهند بود.

همچنین، ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیکی بیان می‌کند که اگر در بستر مبادلات الکترونیکی به دلیل نقص یا ضعف سیستم مؤسسات خصوصی و دولتی، خسارتی به اشخاص وارد شود، این مؤسسات مسئول جبران خسارت خواهند بود؛ مگر اینکه خسارت ناشی از اقدام شخصی افراد باشد که در این صورت، جبران خسارت به عهده آن‌ها خواهد بود. منظور از نقص یا ضعف سیستم در این ماده، عدم انجام وظیفه نصب فیلتر و دیگر وظایف مشخص‌شده در آیین‌نامه است و منظور از اقدام شخصی افراد، اقداماتی است که کاربران در نتیجه ورود یا تخلیه محتوا در شبکه انجام می‌دهند. علاوه بر این، به استناد بند ۲-۳-۵ آیین‌نامه مزبور، مسئولیت رعایت قوانین مالکیت معنوی و حق تألیف و تصنیف به عهده ارائه‌دهنده اطلاعات در شبکه است. منظور از ارائه‌دهنده اطلاعات، تنها ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی به معنای خاص نیستند، بلکه کاربران و تولیدکنندگان محتوا نیز شامل می‌شوند. اگرچه این ارائه‌دهندگان نیز می‌توانند اقدام به ارائه اطلاعات در شبکه نمایند، اما این وظیفه یا اختیار ثانوی آن‌هاست که در این صورت در ردیف تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان اطلاعات قرار خواهند گرفت و عملکرد آن‌ها مبنای دیگری دارد (ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۴۰). بنابراین، اصل بر عدم مسئولیت این ارائه‌دهندگان خواهد بود؛ اما



در صورت عدم انجام وظایف مشخص شده در آیین نامه مذکور و دیگر موارد مرتبط یا ادامه ارائه خدمات به کاربران با وجود علم و آگاهی نسبت به اقدامات زیان آور آن‌ها، یعنی ارتکاب تقصیر، مسئول خواهند بود. اثبات علم و آگاهی این ارائه دهندگان از اقدامات زیان آور کاربران، از راه‌های مختلفی ممکن است که یکی از روش‌های واضح آن، ارسال اختاریه از سوی زیان دیده خواهد بود. البته اصل بر عدم علم و آگاهی این ارائه دهندگان از اقدامات زیان آور کاربران خود است و بار اثبات این مطلب بر عهده مدعی خواهد بود (Ronald, 2004:36). در حقوق ایالات متحده نیز مطابق بندهای (الف) تا (د) بخش ۵۱۲ قانون هزاره دیجیتال، مصوب ۱۹۹۸، این ارائه دهندگان در صورت رعایت شرایط مشخص، به طور کلی از مسئولیت معاف هستند و در صورت عدم رعایت این شرایط و ارتکاب تقصیر، مسئولیت مدنی خواهند داشت (Fitzgerald, 2002:22)؛ بنابراین می‌توان گفت که مبنای مسئولیت مدنی این ارائه دهندگان بر اساس نظریه تقصیر است.

۴-۲. مسئولیت مدیران وبسایت‌ها

مدیران و افرادی که وبسایت‌ها را اداره می‌کنند، معمولاً در ارائه اطلاعات و محتوا نقشی ایفا نمی‌کنند. ماهیت فعالیت این گروه از حاضران در فضای سایبر به گونه‌ای است که با راه‌اندازی یک وبسایت یا پایگاه اینترنتی، فضایی را برای اشتراک‌گذاری اطلاعات متنی، تصویری و صوتی دیگران فراهم می‌آورند. هدف از ایجاد این وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها از منظر فنی، فراهم آوردن امکان بیان نظرات و ارسال مطالب به صورت محدود یا نامحدود است و به طور کلی، تأمین محتوای سایت بر عهده کاربران و مراجعه‌کنندگان ثالث است. مدیر و ایجادکننده وبسایت، به جز نقش فراهم کردن زمینه و امکان بارگذاری و اشتراک اطلاعات، وظیفه دیگری ندارد. در این صورت، باید نقش و کارکرد این مدیران را مشابه حقوق ایالات متحده به عنوان حامل و انتقال‌دهنده صرف اطلاعات در نظر گرفت. در حقوق انگلستان نیز همین دیدگاه حاکم است و برخلاف نظر برخی که معتقدند نقش مدیران وبسایت‌ها باید به عنوان ناشرین تلقی شود، این دیدگاه پذیرفته نشده است؛ زیرا برای انتشار، لازم است که نوعی نظارت و تأیید صریح یا ضمنی بر محتوای بارگذاری شده وجود داشته باشد (Smith, 2002:173). نظر غالب، بر این است که مدیران وبسایت‌ها هیچ نقشی در تأیید یا تصدیق اطلاعات و محتوا ندارند؛ بنابراین، مسئولیت اصلی عمل بر عهده کاربران و کسانی است که اقدام به عرضه و بارگذاری اطلاعات و محتوا می‌کنند. مدیران و ایجادکنندگان این گونه وبسایت‌ها معمولاً از مسئولیت مدنی معاف هستند و نباید به خاطر صرف ایجاد امکان بارگذاری محتوا، آن‌ها را مسئول دانست. این قابلیت، جزء خصوصیات ذاتی و اقتضائات



خاص فضای سایبر است، مگر اینکه مدیر وبسایت اقدام به ویرایش مطالب و محتوا کرده باشد که در این صورت، به عنوان ناشر و ارائه دهنده محتوا شناخته می شود و مسئولیت او در زمره این گروه تحلیل خواهد شد.

بسیاری از این وبسایت ها مقرراتی را تنظیم می کنند که حاوی الزامات و تعهداتی نسبت به مراجعان و کاربران است و مسئولیت هرگونه سوءاستفاده از مطالب و هرگونه ادعای احتمالی را به عرضه کننده محتوا گوشزد می کند. همچنین، در این وبسایت ها بخش هایی تحت عنوان ارجاع شکایات و تخلفات وجود دارد که مخصوص دریافت گزارش ها و اخطارهایی است که اشخاص مدعی و متضرر ارسال می کنند. با این حال، رویه قضایی در ایران در تحمیل مسئولیت کیفری و به طریق اولی مسئولیت مدنی نسبت به مدیران و دایرکنندگان این گونه وبسایت ها تردید ندارد. از جمله این موارد، دادنامه صادره از شعبه ۱۰۵۹ دادگاه عمومی جزایی تهران است که علیه مدیر وبسایت کتابناک صادر شده است. شاکی مدعی بود که کتاب او بدون اجازه و توسط کاربران در سایت مذکور در دسترس عموم قرار گرفته که موجب نقض مالکیت معنوی او شده است. به نظر می رسد که محکومیت ابتدایی مدیر یک وبسایت به عنوان مباشر جرم یا تحقق زیان، بدون توجه به عمل کاربران و مباشرین اصلی که با علم و آگاهی از مقررات سایت وارد آن شده و اقدام به بارگذاری محتوا کرده اند، بی توجهی به اقتضائات فضای سایبر و نوعی نقض غرض در این حوزه است؛ بنابراین، مسئولیت باید در درجه اول متوجه کاربران به عنوان مباشرین ورود زیان باشد، مگر اینکه به هیچ نحو دیگری امکان جبران زیان وجود نداشته باشد که در این صورت، قائل شدن به جبران زیان توسط مدیر وبسایت، منصفانه به نظر می رسد (ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

بنابراین، اصل بر عدم مسئولیت مدیران و دایرکنندگان وبسایت ها نسبت به خساراتی خواهد بود که از عرضه محتوا توسط اشخاص ثالث (کاربران) در آن وبسایت به دیگران وارد می شود؛ اما در عین حال، مدیران وبسایت ها در این مورد، تکالیف عمومی بر عهده دارند که عدم رعایت آن ها موجب تحقق مسئولیت مدنی ایشان خواهد شد. از جمله این تکالیف عبارتند از:

ابتدا کاربران را از مقررات وبسایت و عواقب عدم رعایت آن ها آگاه نمایند و خود نیز مقررات عمومی و کلی از جمله حدود اخلاق حسنه و نظم عمومی را رعایت کنند.

نقشی در اصلاح و ویرایش اطلاعات عرضه شده توسط کاربران نداشته باشند و مطالب ارسالی را به طور کامل نمایش دهند یا رد کنند.



امکانات لازم جهت ارجاع اختطاریه‌ها و شکایات را درون وب‌سایت فراهم آورند و به شکایات اشخاص مدعی در زمان مناسب پاسخ دهند. شکایاتی که مستند به دلایل متقن است را با متوقف یا دور از دسترس قرار دادن محتوای موضوع اعتراض، ترتیب اثر دهند.

ترتیباتی در وب‌سایت اتخاذ نمایند که بنا به مورد، امکان شناسایی کاربران متخلف به دستور مقام قضایی از سوی مدیران وب‌سایت فراهم باشد.

بدیهی است که در صورت عدم رعایت موارد مذکور و نهایتاً عدم امکان شناسایی کاربران مباشر و زیان زننده، انصاف ایجاب می‌کند که مسئولیت مدنی صاحبان و مدیران این گونه وب‌سایت‌ها مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در صورت عدم امکان جبران زیان، مدیر وب‌سایت که زمینه جبران زیان را فراهم کرده است، برای تحمل زیان استحقاق بیشتری دارد تا شخص زیان‌دیده‌ای که بی‌خبر در برابر عمل انجام‌شده قرار گرفته است. البته با ترسیم این تکالیف، در صورت تخطی مدیر وب‌سایت و ورود زیان، می‌توان مسئولیت مدنی او را بر مبنای نظریه تقصیر تحلیل کرد، زیرا عدول از انجام فعل لازم، به استناد ماده ۹۵۳ قانون مدنی، تقصیر محسوب می‌شود؛ اما باید توجه داشت که حتی در مواردی که مدیر وب‌سایت به تکالیف عمومی فوق‌الذکر عمل نمی‌کند، چنانچه باز هم شناسایی کاربر متخلف ممکن باشد، باید مسئولیت ابتدایی کاربر را در جبران خسارت برجسته کرد (ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

۳-۴. مسئولیت تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان محتوا

مبنای مسئولیت مدنی ارائه‌دهندگان محتوا به‌طور قابل‌توجهی متفاوت است. در مورد مسئولیت این دسته از بازیگران در فضای سایبر، باید به این نکته توجه کرد که آیا ماهیت عمل حقوقی بارگذاران محتوا به‌گونه‌ای است که به‌تنهایی موجب ورود زیان می‌شود یا اینکه مراجعه کاربران به آن اطلاعات، رکن تکمیل‌کننده ورود زیان است؟ به‌عنوان مثال، زمانی که یک اثر تحت حمایت قانون قرار می‌گیرد و هر کاربری می‌تواند با مراجعه به وب‌سایت، آن را دانلود کند، آیا می‌توان گفت که زیانی وارد شده است در حالی که هنوز کاربری از آن سایت بازدید نکرده و اثر مورد تعرض را مشاهده نکرده است؟ یا در موردی که فردی عکس‌های خصوصی شخص دیگری را در وب‌سایت قرار می‌دهد، آیا می‌توان گفت که صرف قرار دادن عکس، موجب ورود زیان معنوی شده است؟ تردید در اینجا است که فضای سایبر خود به‌صورت خاموش و منفعل عمل می‌کند و تا زمانی که کاربری وارد نشود و با کلیک بر روی یک نمایه خاص درخواست دریافت و مشاهده آن را در رایانه‌اش ثبت نکند، به‌طور خودکار چیزی را نشان نمی‌دهد. در واقع، در مثال‌های فوق، شخصی که زیان را وارد می‌کند، اثر مورد حمایت قانون را بارگذاری



می‌کند. در رابطه با عمل «معرض افشا» یا «نقض اسرار زندگی دیگران» باید گفت که صرف انجام این عمل، خواه مورد بازدید کاربران دیگری قرار گرفته باشد یا نه موجب تحقق مسئولیت مدنی این گروه خواهد شد و مسئولیت آن‌ها به نمایش اثر توسط اشخاص ثالث مشروط نیست. همان‌طور که در حقوق انگلیس و آمریکا نیز «معرض نقض قرار دادن» صرف در اثر مورد حمایت قانون، موجب مسئولیت مطلق فاعل خواهد شد، حتی اگر این عمل بدون علم صورت گیرد، ممکن است گفته شود که ارائه‌دهندگان محتوا صرفاً اطلاعات را در دسترس سایر کاربران قرار می‌دهند و غالباً نقشی در ارائه و نشر آن ندارند و این اطلاعات به خواست خود کاربران در اختیارشان قرار می‌گیرد. بنابراین، مسئولیتی متوجه آن‌ها نخواهد بود (افضلی، ۱۳۸۸: ۲۶۰).

اما این نظر نیز نادرست است، زیرا اگرچه محتوای غیرقانونی مانند محتوای مستهجن بدون درخواست کاربران به آن‌ها منتقل نمی‌شود و در این فرایند، خواست و فعل آن‌ها عامل اصلی دستیابی به آن‌هاست، این امر نمی‌تواند سپر دفاع افرادی باشد که این محتوا را برای استفاده کاربران در دسترس قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال، یک ارائه‌دهنده خدمات میزبانی که صاحب وب‌سایت است و تصاویر مستهجن کودکان را برای مشاهده و حتی ذخیره کاربران توزیع می‌کند، نمی‌تواند از خود رفع مسئولیت کند، زیرا اولاً، قصد اصلی او دسترسی به این محتواست و نمی‌تواند با توسل به این توجیه که او فقط اطلاعات را در دسترس کاربران قرار داده، خود را مبرا از مسئولیت بداند. ثانیاً، درخواست مشاهده این‌گونه محتوا و اطلاعات توسط کاربران نهایی و به‌عبارتی دیگر، فعل آن‌ها، موجب انقطاع رابطه سببیت بین فعل صاحب وب‌سایت و نتیجه حاصله که دسترسی دیگران به این اطلاعات است، نمی‌شود؛ زیرا بر اساس رابطه علی و معلولی تا زمانی که این اطلاعات توسط او عرضه و در دسترس قرار نمی‌گرفت، کاربران نمی‌توانستند به آن‌ها دسترسی پیدا کنند.

طبق آیین‌نامه واحدهای ارائه‌دهنده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت، مصوب ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مؤسسات و شرکت‌های رسا و کاربران برای محتوایی که خود بر روی شبکه عرضه می‌کنند، مسئول و پاسخگو خواهند بود. این مقرر، صرف «عرضه» را موجب مسئولیت دانسته است و تفکیک میان اصطلاحات «در معرض نقض»، «عرضه» یا «دسترس» مورد توجه قرار نگرفته است.

با توجه به تحلیل فوق، به نظر می‌رسد در خصوص مبنای مسئولیت این گروه، باید به مسئولیت مطلق ارائه‌دهندگان محتوا در فضای سایبر قائل شد، زیرا ماهیت عمل آن‌ها به‌گونه‌ای است که به‌تنهایی موجب تحقق زیان می‌شود و با صرف ارائه محتوا در فضای سایبر، میلیون‌ها کاربر در سرتاسر دنیا امکان دسترسی



به آن را پیدا می‌کنند و از طرفی، امکان حذف یا دور از دسترس قرار دادن آن تقریباً غیرممکن است. عمل بعدی کاربران نیز به‌طور معمول در تحقق ضرر نقشی ندارد. عرف و فناوری فضای سایبر نیز صرف ارائه مطلب زیان‌آور در این فضا را به‌عنوان زیان تلقی می‌کند و صرف ارائه محتوا در این فضا را به منزله انتشار می‌انگارد.

۴-۴. مسئولیت کاربران

در مورد مبنای مسئولیت مدنی کاربران و افرادی که از خدمات فضای سایبر بهره‌برداری می‌کنند، نظرات مختلفی وجود دارد. ممکن است بیان شود که با توجه به ماده یک قانون مسئولیت مدنی و عدم وجود مقرره‌ای برای تفکیک مبنای مسئولیت در فضای سایبر و دنیای واقعی، مبنای تقصیر در مورد کاربران نیز حاکم است؛ بنابراین، کاربران فضای سایبر مسئول خواهند بود تنها در صورتی که مرتکب تقصیر شده و عملی از آن‌ها سرزده باشد که عرفاً مستحق سرزنش باشد. با این حال، انتقادی که به این نظریه وارد است این است که این مبنا با ویژگی‌های شکننده فضای سایبر سازگار نیست.

نمی‌توان کاربری را که ورود به فضای سایبر مستلزم داشتن حداقل تخصص و دانش است و غالباً با هویت‌های ناشناخته و گاه جعلی فعالیت می‌کند، صرفاً بر اساس نظریه تقصیر مسئول دانست. برای تحلیل بهتر مبنای مسئولیت مدنی این دسته از فعالان فضای مجازی، باید ارکان تحقق مسئولیت مدنی در این حوزه را بررسی کرد. رابطه سببیت در فضای سایبر، تعریفی وسیع‌تر از فضای واقعی دارد. همان‌طور که ماهیت فضای سایبر با فضای واقعی تفاوت دارد، این تفاوت در ماهیت موجب تغییر در برخی مفاهیم نیز می‌شود. به‌عنوان مثال، زمانی که کسی در وبلاگ شخصی خود ویروسی قرار می‌دهد و کاربری بدون دعوت وارد آن سایت می‌شود و دستگاه رایانه یا نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای او دچار اختلال می‌شود، در مفهوم عرفی ممکن است گفته شود که میان زیان حاصله و عمل کاربر ارتباط وجود دارد؛ اما با در نظر گرفتن «اقدام»، رابطه سببیت وجود ندارد و رفتار زیان‌دیده نمی‌تواند تحت عنوان قاعده اقتضائات فضای سایبر نادیده گرفته شود. در فضای سایبر برای تحقق سببیت، اثبات ارتباط میان عمل زیان‌بار و عامل ارتکاب آن کافی است. به‌محض اینکه ثابت شد که عمل زیان‌بار توسط خواننده انجام شده است، سببیت در ارتباط با او محقق می‌شود و نیازی به اثبات زیان برای ایجاد رابطه سببیت نیست، هرچند برای تحقق مسئولیت مدنی و الزام به جبران خسارت، اثبات ورود زیان ضروری است. در فضای سایبر باید میان دو اصطلاح حریم خصوصی و فضای اختصاصی تفاوت قائل شد. حریم خصوصی که هتک آن به‌خودی‌خود موجب ضرر است، در فضای سایبر معنایی محدود دارد، مانند



ایمیل‌ها؛ اما فضای اختصاصی، مانند وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌ها، اگرچه نمایانگر و مشخص‌کننده قلمرو حضور هر شخص در فضای سایبر است، ورود دیگران به آن فضا منع قانونی ندارد و این جزو خصوصیات ذاتی این عرصه است؛ بنابراین، زیان در فضای سایبر معنایی محدود دارد. به‌طور کلی، تضییع دارایی یا لطمه به شخصیت را زیان تلقی می‌کنند، هرچند همین تعریف در فضای سایبر نیز کاربرد دارد؛ اما در تشخیص مصادیق زیان در فضای سایبر باید از گسترش نظر جلوگیری کرد. برای مثال، اگر کسی تصویر یا اطلاعاتی از حریم خصوصی خود در فضای اختصاصی‌اش قرار دهد و دیگر کاربران آن را کپی کرده و در مکان‌های پربازدید دیگر فضای سایبر نمایش دهند، نمی‌تواند مدعی هتک حریم یا خسارت معنوی شود، زیرا همه این موارد اقتضای فضای سایبر است.

بنابراین باید گفت که زمانی که کاربران هیچ نقشی در ارائه و بارگذاری محتوا و اطلاعات ندارند و صرفاً به‌عنوان مصرف‌کننده، فضای سایبر را مشاهده و محتوای موجود را دانلود می‌کنند، مانند مشاهده فیلم توهین‌آمیز از فردی که در فضای سایبر بارگذاری شده، صرف عمل مزبور موجب مسئولیت مدنی کاربران نخواهد بود؛ زیرا از یک‌سو، محتوا را اشخاص دیگری ارائه داده‌اند و صرف ارائه اطلاعات و محتوا، همان‌طور که گفته شد، صرف‌نظر از مراجعه یا دانلود کاربران، موجب مسئولیت مدنی محض ارائه‌دهندگان اولیه خواهد شد. از سوی دیگر، جستجوی کاربران در فضای سایبر و مراجعه به لینک‌های مختلف، جزو اقتضائات ذاتی فضای سایبر است که از آن قابل تفکیک نیست. بدیهی است که صرف حضور در فضای سایبر نمی‌تواند موجب مسئولیت مدنی باشد و مراجعه به لینک‌های مختلف و مشاهده محتوا و اطلاعات با حضور در فضای سایبر ملازمه دارد. اساساً حضور در این فضا به معنای مشاهده محتوای دیگران است و نمی‌توان این دو را از نظر فنی از هم تفکیک کرد.

بنابراین، اصل بر عدم مسئولیت مدنی کاربران فضای سایبر در مواردی است که صرفاً نقش استفاده‌کننده نهایی از محتوای پردازش و بارگذاری شده توسط دیگران را دارند. در مواردی که نقش ارائه‌دهنده محتوا را ایفا می‌کنند، مسئولیت آن‌ها همانند ارائه‌دهندگان محتوا، محض خواهد بود. همچنین باید اشاره کرد که حتی اگر کاربر صغیر باشد، در خصوص جبران خسارت می‌توان به رأی مطابق مواد ۱۲۱۶ و ۱۱۸۳ قانون «وحدت رویه ۱۶۰ مصوب ۱۳۶۰» استناد کرد که مقرر داشته است: «در صورتی که صغیر باعث ضرر غیر شود، خود ضامن و مسئول جبران خسارت است و ولی او به علت عدم اهلیت صغیر، نماینده قانونی وی می‌باشد». بنابراین، جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم به مالی از اموال خود او استیفاء خواهد شد. به‌این‌ترتیب، رأی شعبه دوم دیوان



عالی کشور از نظر توجه به مسئولیت جبران خسارت ناشی از جرم به شخص صغیر صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

۵. مبادی مسئولیت مدنی در شبکه‌های اجتماعی

مسئولیت مدنی افراد مذکور بر اساس مجموعه‌ای از مبانی و اصول شکل می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها شامل اتلاف، تسبیب و استیفا است. در ادامه به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

۵-۱. اتلاف

هر فردی که مال دیگری را از بین ببرد، مسئول است و باید معادل یا قیمت آن را جبران کند؛ این موضوع در ماده ۳۲۸ قانون مدنی به‌وضوح بیان شده است. این مسئولیت شامل مواردی است که ممکن است به‌طور عمدی یا غیرعمدی انجام شود و همچنین شامل عین مال یا منافع آن می‌شود. مفهوم اتلاف بسیار وسیع است و شامل اعیان، منافع، حقوق و عدم‌النفع مسلم نیز می‌گردد. حقوق به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که شامل حق فرد بر تمامیت جسمی، حیثیت خانوادگی، شهرت تجاری و آزادی‌های فردی و سایر حقوق مرتبط است.

با این حال، فضای سایبر به‌طور کلی فضایی است که در آن ارتباط مستقیم و مباشرت به معنای سنتی آن امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که آیا در فضای سایبر اساساً امکان تحقق مسئولیت مدنی از منظر اتلاف وجود دارد یا خیر؟ به‌عنوان مثال، آیا ویروسی که یک هکر در شبکه اینترنت منتشر کرده و از این طریق به اطلاعات و نرم‌افزارهای دیگر آسیب می‌زند، می‌تواند به‌عنوان اتلاف تلقی شود؟ آیا این عمل به‌طور مستقیم محسوب می‌شود و هکر به‌عنوان مباشر اتلاف شناخته می‌شود یا اینکه ویروس به‌عنوان واسطه‌ای میان هکر و خسارت وارده عمل می‌کند؟

بحث در این زمینه اهمیت دارد، زیرا در حقوق ایران، اتلاف و تسبیب به‌عنوان دو منبع مستقل برای ایجاد مسئولیت مدنی شناخته می‌شوند و قواعد و شرایط این دو منبع برای تحقق مسئولیت مدنی متفاوت است. برای نمونه، برخی حقوق‌دانان بر این باورند که در زمینه تسبیب، تقصیر یک رکن اساسی برای تحقق مسئولیت است و بدون آن، مسئولیت مدنی از باب تسبیب قابل تحقق نیست. در حالی که در مورد اتلاف، برای تحقق مسئولیت نیازی به تقصیر عامل زیان نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

به نظر می‌رسد که می‌توان برخی از اعمال زیان‌بار در فضای سایبر را به‌عنوان مصادق اتلاف در نظر گرفت، از جمله نقض حقوق کپی‌رایت و نقض علائم تجاری. ایراد عدم امکان تحقق مباشرت در اتلاف



در فضای سایبر نیز قابل قبول نیست، زیرا آنچه میان اتلاف و تسبیب تفاوت ایجاد می‌کند، صرفاً نقش مستقیم یا غیرمستقیم عامل زیان در این زمینه است (بجنوردی، ۱۳۸۱: ۷۰۵). البته باید توجه داشت که بررسی مباشرت یا عدم مباشرت عامل زیان باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص فضای عمل انجام شود و در خصوص فضای سایبر با توجه به اقتضائات خاص آن، می‌توان گفت که مباشرت به این شکل قابل تحقق است.

۲-۵. تسبیب

در موضوع تسبیب، علت زیان به عاملی اطلاق می‌شود که ارتباط غیرمستقیم با خسارت دارد. به عبارت دیگر، «التسبیب» به معنای آن است که «تلف بدون علت خاصی حاصل می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۰۵). زمانی که کاربری به وسیله انتشار ویروس، اقدام به آسیب رساندن به سیستم امنیتی یا اطلاعات شخص ثالث می‌کند، ویروس به عنوان واسطه‌ای میان هکر و خسارت وارده عمل می‌کند و در این حالت، هکر به عنوان مسبب شناخته می‌شود و نه مباشر. بدین ترتیب، عمل او مصداق ماده ۳۳۱ قانون مدنی خواهد بود که تصریح می‌کند: «هرکس که سبب تلف مالی شود، باید معادل و قیمت آن را پرداخت کند و اگر موجب نقص یا عیب آن شده باشد، باید پاسخگوی نقص آن نیز باشد». با این حال، نباید این تصور ایجاد شود که به دلیل مجازی بودن فضای سایبر و عدم امکان ورود مستقیم و بلا واسطه افراد به آن، تحقق مسئولیت مدنی از طریق سایر منابع مانند اتلاف و... منتفی است. هرگونه خسارتی باید از منظر تسبیب مورد بررسی قرار گیرد.

این نتیجه با مفهوم فضای سایبر سازگار نیست و می‌تواند منجر به بی‌عمل ماندن بسیاری از قواعد مهم مسئولیت مدنی در این حوزه شود. به نظر می‌رسد که ملاک‌های موجود در دنیای واقعی برای تشخیص رابطه سببیت، در فضای سایبر نیز کاربرد دارد، با این تفاوت که باید به ویژگی‌های خاص این فضا توجه شود. ملاک سببیت در دنیای واقعی بر اساس رابطه انتساب عرفی است که در هر صنف و حرفه‌ای بر اساس دکترین تشخیص داده می‌شود؛ اما در فضای مجازی، به دلیل عدم شکل‌گیری عرف مشخص و فنی، ملاک سببیت به صورت فنی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. منظور از سببیت فنی این است که با توجه به اصول فنی و فناوری و با در نظر گرفتن اقتضائات فضای سایبر، می‌توان خسارت را به رفتار عامل زیان نسبت داد.

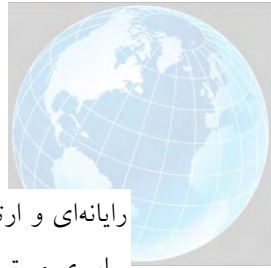
۳-۵. استیفا

استیفا به معنای استفاده از مال، کار یا خدمات دیگران بدون وجود یک سبب قراردادی یا قانونی است. این مفهوم به دو دسته تقسیم می‌شود: استیفا با اذن و استیفا بدون اذن. مهم‌ترین مصادیق این نهاد در قانون مدنی در مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ ذکر شده است. در دنیای سایبر، استیفا نیز به‌عنوان یکی از عوامل ایجاد مسئولیت مدنی محسوب می‌شود. یکی از بارزترین مثال‌های آن در نقض حقوق کپی رایت است، زمانی که فردی بدون رعایت حقوق مالکیت فکری صاحب اثر، از آن بهره‌برداری می‌کند. در این حالت، استیفای بدون اذن به وقوع می‌پیوندد و فرد ناقض مسئول جبران خسارت مالک اثر خواهد بود. علاوه بر این، در مواقعی که استفاده از مال یا خدمات دیگران در فضای سایبر با اذن انجام شود، نوع دوم استیفا یعنی استیفای مشروع یا مسبوق به اذن تحقق می‌یابد. به‌عنوان مثال، اگر شخصی با راه‌اندازی یک وب‌سایت خدمات حقوقی، مشاوره‌های حقوقی به کاربران ارائه دهد، در صورت عدم وجود قصد تبرع تلویحی یا صریح، ایجادکننده وب‌سایت می‌تواند بابت خدمات ارائه شده از کاربران، اجرت‌المثل درخواست کند.

هیچ‌یک از منابع ذکر شده نمی‌تواند به‌عنوان منبع انحصاری برای ایجاد مسئولیت مدنی نسبت به تمام رفتارهای زیان‌بار در فضای سایبر محسوب شود. به‌عنوان مثال، اگر فردی در فضای خصوصی خود در اینترنت به توهین یا هتک حرمت دیگری بپردازد، نمی‌توان این عمل را از منظر اتلاف تحلیل کرد. بلکه باید هر عمل را در این فضا به‌صورت جداگانه و با توجه به ویژگی‌های خاص آن بررسی نمود؛ بنابراین، مشاهده می‌شود که امکان تحقق مصادیق نهادهای مسئولیت مدنی ذکر شده در ماده ۳۰۷ در فضای سایبر نیز وجود دارد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی در مفهوم کلی، تعهد و الزام شخص به جبران خسارت وارده به دیگری است. این مفهوم بر پایه اصل لزوم جبران ضرر ناروا استوار بوده و هدف آن، بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت پیش از ورود خسارت است. مسئولیت مدنی برخلاف مسئولیت کیفری که متوجه حفظ نظم عمومی و مجازات متخلف است، به دنبال ترمیم خسارت وارده به اشخاص و حمایت از حقوق خصوصی افراد می‌باشد. خسارت سایبری به زیان‌های مادی و معنوی ناشی از فعالیت‌ها و تعاملات در فضای سایبری اطلاق می‌گردد. فضای سایبری به عنوان محیطی مجازی و غیر فیزیکی، برآمده از به‌هم‌پیوستگی شبکه‌های



رایانه‌ای و ارتباطی است که امکان تعامل، مبادله اطلاعات و ارائه خدمات را فراهم می‌سازد. خسارات سایبری می‌توانند در اشکال مختلفی از جمله نقض حریم خصوصی، انتشار اطلاعات محرمانه، تخریب داده‌ها، نقض حقوق مالکیت فکری، کلاهبرداری اینترنتی، هتک حیثیت و آبرو و اختلال در کسب‌وکارهای آنلاین نمود یابند. مسئولیت مدنی ناشی از خسارات سایبری به تعهد اشخاص حقیقی و حقوقی به جبران زیان‌های ناشی از فعالیت‌های مضر در فضای سایبری اشاره دارد. این نوع از مسئولیت، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از مسئولیت مدنی در دنیای فیزیکی متمایز می‌سازد. عدم محدودیت جغرافیایی، سرعت بالای انتشار اطلاعات، دشواری شناسایی عامل زیان، پیچیدگی احراز رابطه سببیت و چالش‌های ارزیابی میزان خسارت، از جمله این ویژگی‌ها هستند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مفهوم مسئولیت مدنی در فضای سایبری با ماهیت خاص این فضا پیوند خورده است. تفاوت‌های مفهومی و کارکردی فضای سایبری با دنیای فیزیکی، چالش‌های نوینی را در زمینه تعیین مسئولیت مدنی ایجاد کرده است. نظریه‌های کلاسیک مسئولیت مدنی مانند نظریه تقصیر، نظریه خطر و نظریه تضمین حق، هر یک به تنهایی برای توجیه مسئولیت مدنی در فضای سایبری کافی نبوده و نیازمند بازنگری و تلفیق هستند. در این راستا، پژوهش حاضر نشان می‌دهد رویکردهای مختلط که از عناصر نظریه‌های مختلف بهره می‌گیرند، در تبیین مسئولیت مدنی سایبری کارآمدتر عمل می‌کنند.

در فضای سایبری، نظریه تقصیر به تنهایی نمی‌تواند مبنای مناسبی برای مسئولیت مدنی باشد، زیرا در بسیاری موارد، اثبات تقصیر عامل زیان با توجه به پیچیدگی‌های فنی و ناشناخته بودن هویت واقعی افراد، بسیار دشوار است. از سوی دیگر، اعمال مطلق نظریه خطر نیز می‌تواند به مسئولیت‌های گزاف و غیرمنصفانه منجر شود؛ بنابراین، رویکرد متعادلی که عناصری از هر دو نظریه را در برمی‌گیرد، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. ارکان سه‌گانه مسئولیت مدنی - ورود ضرر، ارتکاب فعل زیان‌بار و رابطه سببیت - در فضای سایبری دچار دگرگونی‌هایی شده‌اند. در خصوص رکن اول، ورود ضرر در فضای سایبری ابعاد گسترده‌تری داشته و به‌ویژه خسارات معنوی مانند هتک حیثیت، نقض حریم خصوصی و آسیب به شهرت تجاری، اهمیت و گستره بیشتری می‌یابند. فضای بدون مرز اینترنت موجب می‌شود دامنه خسارات وارده به سرعت گسترش یافته و شناسایی و ارزیابی دقیق آن‌ها با دشواری مواجه شود.

در مورد رکن دوم، فعل زیان‌بار در فضای سایبری می‌تواند به اشکال متنوع‌تری مانند انتشار محتوای مضر، هک و نفوذ غیرمجاز، طراحی و انتشار بدافزار، جعل هویت دیجیتال و سوءاستفاده از داده‌های شخصی بروز کند. همچنین، مرز بین فعل و ترک فعل زیان‌بار در این فضا گاه مبهم می‌شود؛ به عنوان



مثال، قصور مدیر یک وب‌سایت در حذف به‌موقع محتوای توهین‌آمیز که توسط کاربران ارسال شده، نوعی ترک فعل زیان‌بار محسوب می‌شود که می‌تواند موجب مسئولیت مدنی گردد.

رکن سوم، یعنی رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر وارده، شاید چالش‌برانگیزترین رکن در احراز مسئولیت مدنی سایبری باشد. پیچیدگی‌های فنی، ناشناس بودن هویت واقعی کاربران، امکان دست‌کاری در مسیرهای ارتباطی و استفاده از ابزارهای پنهان‌سازی هویت، تشخیص رابطه علیت را با دشواری‌های جدی مواجه می‌سازد. در این راستا، بهره‌گیری از قرائن و امارات، استفاده از دانش کارشناسان فنی و تغییر در قواعد سنتی اثبات دعوا، می‌تواند به رفع این چالش کمک نماید.

طیف متنوعی از اشخاص می‌توانند در فضای سایبری دارای مسئولیت مدنی باشند. ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی (ISP)، مدیران وب‌سایت‌ها، تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان محتوا و کاربران، هر یک در شرایط خاصی ممکن است مسئول جبران خسارات وارده شناخته شوند. مبادی مسئولیت مدنی در این فضا، مبتنی بر اصول فقهی اتلاف، تسبیب و استیفا قابل تبیین است. اتلاف در فضای سایبری می‌تواند به صورت تخریب مستقیم داده‌ها، انتشار ویروس‌ها و بدافزارها یا حذف غیرمجاز محتوا تجلی یابد. تسبیب نیز در مواردی مانند طراحی نرم‌افزارهای معیوب، ایجاد بسترهای ناامن برای تبادل اطلاعات یا هدایت کاربران به سمت سایت‌های مخرب قابل تصور است. استیفا نیز در مواردی چون استفاده تجاری از تولیدات فکری دیگران بدون اجازه یا بهره‌برداری از داده‌های شخصی افراد برای منافع اقتصادی مصداق می‌یابد. با این حال، تطبیق این اصول با ماهیت فضای سایبری نیازمند اجتهاد و تفسیر نوین است.

مصادیق مسئولیت مدنی در فضای سایبری متنوع و گسترده است. در حوزه تبلیغات تجاری، مواردی چون تدلیس، تبلیغات نادرست و هتک حرمت تجاری از جمله مصادیق مهم مسئولیت مدنی محسوب می‌شوند. تدلیس در تبلیغات آنلاین می‌تواند به صورت ارائه اطلاعات نادرست درباره محصولات، استفاده از تصاویر غیرواقعی یا ادعاهای کذب درباره کیفیت و کارایی محصولات نمود یابد که موجب فریب مصرف‌کنندگان و ورود خسارت به آنان می‌گردد. همچنین، نقض حریم خصوصی اشخاص از دیگر مصادیق بارز مسئولیت مدنی در فضای سایبری است. انتشار غیرمجاز اطلاعات شخصی، تصاویر خصوصی، اسناد محرمانه و داده‌های هویتی افراد، جمع‌آوری و پردازش غیرمجاز داده‌های شخصی و استفاده از آن‌ها برای مقاصد تجاری و نقض محرمانگی مکاتبات الکترونیکی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند موجب نقض حریم خصوصی و ایجاد مسئولیت مدنی گردند. تعرض به حقوق آثار ادبی و هنری در فضای مجازی نیز از دیگر مصادیق مهم مسئولیت مدنی است. انتشار غیرمجاز آثار ادبی،



موسیقی، فیلم و تصاویر هنری در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های اینترنتی، استفاده تجاری از آثار دیگران بدون کسب اجازه و نقض حقوق معنوی پدیدآورندگان مانند حق انتساب اثر، از جمله مواردی هستند که موجب ورود خسارت به صاحبان آثار و ایجاد مسئولیت مدنی می‌شوند. در خصوص جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های زیان‌بار سایبری، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که روش‌های جبران خسارت مادی و معنوی در این حوزه از تنوع و پیچیدگی خاصی برخوردار است. جبران خسارات مادی و مالی عمدتاً از طریق پرداخت وجه نقد صورت می‌گیرد و می‌تواند شامل هزینه‌های مستقیم ترمیم خسارت (مانند هزینه بازبازی اطلاعات، تعمیر سیستم‌ها یا حذف محتوای مضر)، منافع ممکن‌الحصول از دست رفته (مانند درآمدهای تجاری یا فرصت‌های شغلی) و هزینه‌های پیشگیری از خسارات آتی باشد.

جبران خسارات معنوی در فضای سایبری می‌تواند به شیوه‌های متعددی انجام شود. جبران واقعی به دنبال اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت پیش از ورود خسارت است، مانند حذف محتوای توهین‌آمیز یا غیرواقعی از فضای مجازی. جبران نمادین یا صوری به دنبال ترمیم آسیب‌های روانی و اجتماعی از طریق اقداماتی با بار نمادین است، مانند عذرخواهی عمومی عامل زیان. خسارت تنبیهی، با هدف مجازات عامل زیان و پیشگیری از تکرار اقدامات مشابه، در موارد نقض عمدی و آگاهانه حقوق دیگران اعمال می‌شود. سایر روش‌های جبران خسارت معنوی شامل الزام به عذرخواهی رسانه‌ای، درج حکم در مطبوعات و رسانه‌های مجازی و جلب رضایت اشخاص از طرق مختلف می‌باشد. یافته‌های پژوهش بر ترجیح جبران غیرمالی بر جبران مالی در خسارات معنوی تأکید دارد، زیرا آسیب‌های روحی، عاطفی و اجتماعی را نمی‌توان صرفاً با پرداخت وجه نقد جبران نمود.

بررسی رویه‌های قضایی در این پژوهش نشان می‌دهد که محاکم ایران در مواجهه با دعاوی مرتبط با مسئولیت مدنی در فضای سایبری، رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. این تفاوت‌ها ناشی از عواملی چون نوپا بودن فضای سایبری، خلأهای قانونی، دشواری اثبات رابطه سببیت و چالش‌های ارزیابی میزان خسارت است. در برخی موارد، محاکم با تمسک به اصول کلی مسئولیت مدنی و تفسیر موسع قوانین موجود، سعی در حمایت از زیان‌دیدگان فضای سایبری داشته‌اند. در مواردی دیگر، با توجه به فقدان مقررات صریح و دشواری‌های اثبات دعوا، از صدور حکم به نفع زیان‌دیده خودداری نموده‌اند. با این حال، روند کلی حاکی از حرکت تدریجی نظام قضایی ایران به سمت شناخت بهتر ماهیت فضای سایبری و اتخاذ رویکردهای منطبق‌تر با ویژگی‌های این فضا است. پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد حقوقی

مسئولیت مدنی ناشی از خسارات سایبری در نظام حقوقی ایران انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علیرغم تلاش‌های صورت گرفته، هنوز چالش‌های قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. ماهیت سیال و پویای فضای سایبری و تحولات سریع فناوری، ضرورت بازنگری مستمر در اصول و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی در این فضا را دوچندان می‌سازد. در پایان باید خاطرنشان ساخت که رویکرد مناسب برای مواجهه با مسئولیت مدنی در فضای سایبری، رویکردی متعادل است که ضمن حمایت از زیان‌دیدگان، مانع از ایجاد محدودیت‌های غیرضروری در توسعه فناوری و نوآوری گردد. تحقق این توازن، مستلزم شناخت دقیق ماهیت فضای سایبری، همکاری متخصصان حوزه‌های حقوقی و فنی و بهره‌گیری هوشمندانه از تجارب داخلی و بین‌المللی است. امید است این پژوهش گامی هرچند کوچک در جهت غنای ادبیات حقوقی کشور در زمینه مسئولیت مدنی سایبری و راهگشای پژوهش‌های آتی در این حوزه باشد.

احمدزاده، حامد و خوشدل واجاری، علی. (۱۳۹۶). بررسی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات الکترونیکی. نشریه مطالعات حقوق، ۱۶.

اسلامی، ابراهیم. (۱۳۹۵). جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان جرائم سایبری در مقررات کیفری حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۷ (۴۳)، ۱۸۲-۱۵۷.

ام‌لرد، کریستین و شارپ، تراویس. (۱۳۹۲). ترجمه محمد محمدی تمنایی. آخرین دنیای سایبری آمریکا: امنیت و رفاه در عصر اطلاعات. تهران: انتشارات مرکز راهبردی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

امامی، سید حسن. (۱۳۷۳). حقوق مدنی. تهران: کتاب‌فروشی اسلامییه.

امامی، نورالدین. (۱۳۵۴). حقوق مالکیت‌های فکری، نشریه رهنمون.

آهنگران، روح‌الله. (۱۳۹۸). باز پژوهشی فقهی و حقوقی پیرامون مسئولیت‌های مدنی در شبکه‌های اجتماعی مجازی. نشریه آفاق علوم انسانی، ۳۱.

بابایی، ایرج. (۱۳۹۷). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد. انتشارات میزان.

بل، دیوید. (۱۳۸۹). ترجمه مسعود کوثری. درآمدی بر فرهنگ‌های سایبری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

پایدار، حبیب‌الله. (۱۳۷۴). چرا انسان متعهد و مسئول است؟ تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

تقی‌زاده، ابراهیم و هاشمی، احمدعلی. (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی (ضمان قهری). دانشگاه پیام نور.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۴). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۳). جغرافیای سیاسی فضای مجازی. تهران: سمت.



حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۸۴). حقوق و امنیت در فضای سایبر. چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

خویی، سید ابوالقاسم. (بی‌تا). مصباح الفقاهه. قم: موسسه انصاریان.

درودیان، حسنعلی. (۱۳۶۹). جزوه حقوق مدنی ۲ (مسئولیت مدنی). انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. رجبی، عبدالله و تراز، نسرين. (۱۳۹۶). بررسی انتقادی حاکمیت حقوقی ساختار فنی اینترنت بر فضای مجازی. فصلنامه تحقیقات حقوقی.

السان، مصطفی و کلاتری، رضا. (۱۳۹۶). بیمه مسئولیت و خسارت‌های وارده در فضای مجازی. نشریه پژوهشنامه بیمه، ۱۲۵.

سوانتسون، دن جرکر. (۱۳۹۵). ترجمه رضا مقصودی و مهسا دروی. حقوق بین‌الملل خصوصی و اینترنت. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.

شاهمحمادی، غلامرضا. (۱۳۹۵). راهبردهایی برای پیشگیری وضعی از آسیب‌های فضای مجازی. فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، ۲۱(۲)، ۱۴۴-۱۰۱.

صادقی نشاط، امیر. (۱۳۹۰). حاکمان و مقررات حاکم بر اینترنت. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۱(۱)، ۲۷۹-۲۹۳.

صادقی، حسین و ناصر، مهدی. (۱۴۰۰). در حوزه بازی‌های رایانه‌ای (مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی «واقعیت مجازی»).

چالش‌های ابزارهای ایران و آمریکا. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۰(۴۵)، ۲۵۶-۲۳۵.

صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله. (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). تهران: سمت.

صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: شهر دانش.

صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله. (۱۳۹۹). اختلال کسب و کار ناشی از حملات سایبری.

صفایی، سید حسین. (۱۳۷۵). حقوق مدنی تطبیقی. تهران: نشر میزان.

طارمی، محمدحسین. (۱۳۸۷). فضای سایبر؛ آسیب‌ها و مخاطرات. فصلنامه ره آورد نور، ۲۲(۷)، ۳۹-۳۲.

عامر، حسین. (۱۳۷۶). المسئولیه المدنیة التقصیر والعقیده. مطبعة مصر.

عاملی، سید سعیدرضا. (۱۳۸۸). متن مجازی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

عبداللهی، سید. (۱۴۰۰). نارسایی قواعد سنتی در مواجهه با خسارات نوین.

عطاران، محمد. (۱۳۸۴). مدارس هوشمند و نوآوری در آموزش و پرورش. نشریه رشد مدرسه فردا، ۲(۷)، ۳۶-۱۲.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۲). موجبات ضمان. تهران: نشر میزان.

فیروزمند، آذر. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی در فضای سایبری در حقوق ایران با اسناد بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز مشهد.

قاجار قیونلو، سیامک. (۱۳۹۱). مقدمه حقوق سایبر. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.

قاسم‌زاده، مرتضی. (۱۳۸۸). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد. نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۹). حقوق مدنی (ضمان قهری). موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). الزام خارج از قرارداد. تهران: دانشگاه تهران.



- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). عقد اذنی و وثیقه‌های دین. تهران: دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). وقایع حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کامران دستجردی، حسن و میرمحمدی، زهرا. (۱۳۹۳). فضای سایبری و تعاریف جدید در جغرافیای سیاسی. فصلنامه جغرافیا، ۱۲(۴۳)، ۱۵۶-۱۴۳.
- کشاوری، بابایی. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی در حقوق کامن‌لا. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۵(۱).
- محمادپور، کمال. (۱۳۹۶). فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه اقتصادی-اجتماعی و شرح اصطلاحات و لغات حوزه ICT. چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- مرقس، سلیمان. (۱۹۹۲). الوافی فی شرح القانون المدنی. قاهره: ج ۱.
- مستقیمی، بهرام. (۱۳۸۵). فناوری اطلاعات و حاکمیت. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۱(۳۷)، ۲۲۱-۲۵۲.
- ملکوتی، رسول و ساورایی، پرویز. (۱۳۹۵). درآمدی بر مسئولیت مدنی در فضای سایبر. نشریه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۵.
- ملکوتی، رسول. (۱۳۹۹). نحوه اعمال ارکان تحقق مسئولیت مدنی در فضای سایبری اینستاگرام. نشریه پژوهش‌های ارتباطی، ۱۰۱.
- الناهی، صلاح‌الدین. (۱۳۷۶). الوجه فی نظریه العامه للالتزامات. بغداد.
- یزدانیان، علیرضا. (۱۳۸۶). قواعد عمومی مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات میزان.
- Adams, P.C. (1997). Cyberspace and Virtual Places. *Geographical Review*, 87(2), 155-171.
- Akdeniz, Y., Walker, C., & Wall, D. (2000). *The Internet, law and society*. Longman Publishing Group.
- Boas, Y. A. G. V. (2013, August). Overview of virtual reality technologies. In *Interactive Multimedia Conference* (Vol. 2013, p. 4).
- Chałubińska-Jentkiewicz, K., Radoniewicz, F., & Zieliński, T. (2022). *Cybersecurity in Poland: Legal Aspects*.
- Fitzgerald, Anne & Fitzgerald, Brian. (2002). *Cyber Law: Cases and Materials on Internet, Digital Intellectual Property and E Commerce Supplementary Material*. LexisNexis Butterworths.
- Graham, J.H. (2002). *Internet Law and Regulation*. Sweet and Maxwell. Third edition. London.
- Kuehl, D. T. (2009). From cyberspace to cyberpower: Defining the problem. *Cyberpower and national security*, 30. <https://www.jstor.org/stable/j.ctt1djmhj1>
- Lee, J., Kim, J., & Choi, J. Y. (2019). The adoption of virtual reality devices: The technology acceptance model integrating enjoyment, social interaction, and strength of the social ties. *Telematics and Informatics*, 39, 37-48. <https://doi.org/10.1016/j.tele.2018.12.006>



- Ottis, R., & Lorents, P. (2010, April). Cyberspace: Definition and implications. In International Conference on Cyber Warfare and Security (p. 267). Academic Conferences International Limited.
- Rackevičienė, S., & Mockienė, L. (2020). Cyber Law Terminology as a New Lexical Field in Legal Discourse. International Journal for the Semiotics of Law-Revue internationale de Sémiotique juridique, 33(3), 673-687.
- Standler, Ronald B. (2004). Possible Vicarious Liability for Computer Users in the ASA.
- Wedde, H. F. (1997). How and where do we live in virtual reality and cyberspace—Threats and Potentials. Rendiconti del Seminario Matematico e Fisico di Milano, 67(1), 103-137.

